

تلاقی تاریخ‌نگاری و نو تاریخ‌گرایی، تأثیر متقابل تاریخ و ادبیات: چرخش
دیالکتیکی قدرت - دانش فوکویی در شعر "زمانی در رم" اثر ماری ایونز
شهرزاد محمدحسین^(b)، هدا شب رنگ^(b)

CLLS-2402-1234

چکیده

پل میشل فوکو (۱۹۲۶-۱۹۸۴)، جامعه‌شناس و فیلسوف برجسته فرانسوی در اواخر قرن بیستم، در اثری مشهور با عنوان قدرت و دانش: مصاحبه‌های منتخب و نوشته‌های دیگر (۱۹۸۰) تئوری بحث برانگیزی را مطرح کرد و در آن به جابجایی دانش و قدرت و اهمیت بررسی آن اشاره نمود. در مدل پیشنهادی فوکو قدرت در واقع چرخش ناآشکارا و فراگیر دانش مابین طرف‌های گفتگویی است. از سویی، هیدن وایت (۱۹۲۸-۲۰۱۸) در بررسی رخدادهای تأکید بر تفحص در علل و عوامل رویدادها دارد چرا که تاریخ فراتر از ثبت خطی اتفاقات است. در این مقاله، نشان داده می‌شود که چگونه تلاقی و تعمق در روابط علت - معلولی از دیدگاه تاریخ‌نگاری به تفویض قدرت - دانش فوکویی معنا می‌بخشد. همچنین حرکت دیالکتیکی قدرت - دانش فوکویی در شعر "زمانی در رم" اثری از شاعر آفریقایی-آمریکایی، ماری ایونز (۱۹۱۹-۲۰۱۷) بازنمایی خواهد شد. در نظریه فوکو قدرت حرکت سلسله‌مراتبی نداشته بلکه از طریق رد و بدل شدن دانسته‌ها در جامعه به گردش در می‌آید بر خلاف باور عام، زیر دست با ابراز ایستایی یا مقاومت نشان می‌دهد که موقعیت برتر لزوماً در دست زبردست نیست بلکه از آن طرفی است که از دانش بیشتر و کافی بهره‌مند است. پژوهش حاضر با بهره‌گیری از روش تحلیلی-توصیفی موجبات تسهیل گردآوری اطلاعات و ارایه ادله را فراهم نموده است.

واژگان کلیدی: ایستایی، دانش/ قدرت، دیالکتیک، ماری ایونز، میشل فوکو، هیدن وایت

دوره بیست و یکم، شماره ۳۲، پاییز و زمستان ۱۴۰۳

۱. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات انگلیسی دانشکده زبان‌های خارجی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال، تهران، ایران. پست الکترونیک: shahrzadmohammadhosein@gmail.com
۲. استادیار زبان و ادبیات انگلیسی، گروه زبان انگلیسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه خاتم، تهران، ایران، (نویسنده مسئول)، پست الکترونیک: h.shabrang@khatam.ac.ir

مقدمه

پل میشل فوکو^۱ (۱۹۸۴-۱۹۲۶)، منتقد ادبی فرانسوی، برای نخستین بار نظریه‌ای مبنی بر رابطه‌ی چرخشی قدرت - دانش و تکیه‌ی آن بر عوامل دخیل و شرایط رخداده‌ها مطرح نمود. او در سال ۱۹۸۰ با ارائه پیشنهادات جدید در مورد رابطه بین دانش - قدرت^۲ موجبات به چالش کشیده شدن دیدگاه سنتی نسبت به دیالکتیک موجود بین آن دو را فراهم ساخت. علاوه بر این، فوکو سئوالات کلیدی در مورد تفویض و جابجایی قدرت را مطرح کرد. او معتقد است "قدرت هنگامی قابل فهم است که در رابطه نزدیک با دانش در نظر گرفته شود زیرا" اعمال قدرت "فقط در صورتی میسر است که متجانس با دانش باشد. دانش می‌تواند در روابط مربوط به قدرت دخالت کرده و منجر به تولید آن گردد" (Power/Knowledge; Selected Interviews and Other Writings 52). علاوه بر این قدرت عملکردی مولد دارد و در شبکه‌ای زایا و فعال که در تمام جامعه جاری است در گردش می‌باشد. تأکید فوکو بر این است که تمامی افراد در همه سطوح جامعه، در حالی‌که شبکه‌ای فعال از قدرت را تشکیل می‌دهند، در چرخش قدرت سهیمند. قدرت و چرخش دیالکتیکی^۳ آن، که نتیجه تضادهای مداوم است، در بین تمامی عواملی درگیر در حرکت است تا موقعیت اجتماعی افراد را باز تعریف کرده و گفتمانی را بوجود آورند. شایان ذکر است که روابطی که بر پایه قدرت بنا شده‌اند لاجرم درگیر "سلطه"^۴ و "مقاومت"^۵ می‌باشند. نکته دیگر این که، دانش درعین نزدیکی به قدرت از آن گسسته است، چراکه قدرت پیوسته در حال شکل دهی اشکال جدیدی از دانش می‌باشد.

هیدن وایت^۶ (۱۹۲۸-۲۰۱۸)، مورخ آمریکایی، آثار متعددی در زمینه‌ی تاریخ‌نگاری از خود به جا گذاشته است. او در کار برجسته‌ی خود با عنوان فرا تاریخ: تصور تاریخی در اروپای قرن نوزدهم^۷ (۱۹۷۳) تعریف واکاوانه‌ای از تاریخ ارائه می‌دهد. او بیان می‌کند که تاریخ به معنای ثبت خطی وقایع نمی‌باشد؛ بلکه در قالب چارچوبی تعریف شده که دیدگاهی را باز می‌کند می‌توان وقایع را مورد بازبینی قرار داد. در روش او، یافتن علل

1. Paul-Michel Foucault (1926-1984)

2. Power and Knowledge

3. Dialectical Circulation

4. Dominance

5. Resistance

6. Hayden White

7. *Methistory: The Historical Imagination in Nineteenth Century Europe*

رخدادها و واکنش آن بر معلول‌ها از اهمیت برخوردار است. تأثیر دیالکتیکی عوامل بر هم در پدیداری رویدادها مهم‌اند، لذا در بازنگری روابط مابین زیر دست - زبردست باید نسبت به عناصری که سبب پیدایش قدرت و سلطه‌ی طرفین می‌شود آگاهی کسب کرد. به عقیده‌ی او ادبیات دیدگاهی نوین به‌سوی باز‌نمایی حقایق تاریخی باز می‌کند، چرا که ادبیات و تاریخ پیوستگی متجانسی دارند.

ماری ایونز^۱ (۱۹۱۹-۲۰۱۷)، شاعر معاصر آفریقایی - آمریکایی است که با تخصص منحصر به فرد خود در به‌کارگیری زبان انگلیسی، هنر خود را در طیف وسیعی از موضوعات به نمایش گذاشته است، تا بدین‌گونه تعهدات خود را به غنی‌سازی میراث فرهنگی سیاه‌نشان دهد. از آنجائی‌که او یک فمینیست فعال است و عنایتی ویژه به "شعر سیاه"^۲ دارد، اشعار او غالباً مرزهای مقاومت را درنور دیده و با فراتر رفتن از آن خاص می‌شود. رابرت داگلاس^۳ (۱۹۳۴-۲۰۲۳)، استاد برجسته دانشگاه لویزویل، نیز در کتاب برجسته خود با عنوان مقاومت، شورش و هویت: هنر ماری ایونز، نلسون استیونز و جنبش هنرهای سیاه^۴ (۲۰۰۸)، بر این باور است که "قالب اشعار ایونز همان قدر که از نگرانی‌هایش برای هم‌نژادان او نشئت می‌گیرد، برخاسته از محیط اجتماعی است که در آن زندگی می‌کند، لذا هر دو این موارد در برگیرنده محتوی اشعار او می‌باشد" (۹۸). ایونز مانند سایر اعضای "جنبش هنر سیاه"^۵ خود را متعهد می‌داند تا فریاد افرادی باشد که هیچگاه صدای آنها شنیده نشده، نمی‌شود و شاید هم نخواهد شد. او نشان می‌دهد که چگونه زیر دستان سفیدپوست، با تصاحب قدرت، تسلط بر سیاست و مسائل اجتماعی - فرهنگی، صاحب قدرت شده و اقلیت سیاه‌پوستان را به حاشیه می‌رانند.

"زمانی در رم"^۶ شعری برگزیده از مجموعه "من زنی سیاه هستم"^۷ (۱۹۷۰)، می‌باشد که در ظاهر گفتگویی است یک‌طرفه بین خانم صاحب‌خانه و خدمتکارش. ایونز با ترفندی زیرکانه خواننده "بینای تام"^۸ را به‌تمامی افکار خدمتکار در پاسخ به گفته‌های صاحب‌کار

1. Mari Evans (1919-2017)

2. Black Poetry

3. Robert L Douglas (1934-2023)

4. Resistance, Insurgence and Identity: The art of Mari Evans, Nelson Stevens and the Black Arts Movement (2008)

5. Black Arts Movement

6. "When in Rome"

7. *I Am a Black Woman* (1970)

8. Omniscient Reader

خود واقف می‌سازد. رابرت داگلاس در بررسی شعر "زمانی در رم" ادعان می‌دارد که "دنیای محفظه‌ای قانون"^۱ که در آن فرد بومی از مستعمره‌چی، و مستکبر از مستضعف، یا برده‌دار از برده متمایز شده است در شعر ایونز و تصویرگری ادبی او از خانم خانه و خدمتکار او به صورتی برجسته و دلنشین بازنمایی شده است ("Resistance Insurance and Identity 142-143). چرخش قدرت در شعر "زمانی در رم" کاملاً واضح و مشخص است. در این شعر، بانوی خانه در صدد به‌رخ‌کشیدن سخاوت خود می‌باشد تا برتری و زبردست بودن خود را اثبات کند. این در حالی است که خدمتکار با مقاومتی که از خود نشان می‌دهد، در تلاش است تا از تحمیل قدرت بر خود شانه خالی کند و این امر در پاسخ‌های ذهنی او که خوانندگان هم از آن آگاهی دارند کاملاً مشهود است. آنچه توجه خواننده را به خود جلب می‌کند، این است که در دنیای مجلل سفید پوستان چیزهایی وجود دارند که کوچک‌ترین ارزشی برای سیاه‌پوستان نداشته و علت سیستم‌های ارزش‌گذاری است که کاملاً متمایزند. در شعر "زمانی در رم" زبان و لحن نیز به کمک شاعر آمده و همین امر دیدگاه فرد "سیاه" را در رویارویی با نمایش مغرورانه تأثیرات "هژمونیک"^۲ قدرت به چالش می‌کشد.

مقاله حاضر به بررسی چرخش قدرت و رابطه آن با دانش در شعر "زمانی در رم" می‌پردازد. در این پژوهش ارکان قدرت مورد بررسی قرار خواهند گرفت، چرا که قدرت اولاً "زایا"^۳، ثانیاً "غیر - تملکی"^۴ و ثالثاً در تمامی عرصه‌های روابط انسانی مشهود است. شعر مصداقی است از نفوذ ظریف قدرت در بین تمامی عوامل جامعه. مطالعه حاضر بر آن است تا با خوانشی نو تاریخ - نگارانه^۵ از اثر ادبی به پرسش‌های مطرح شده در این رابطه پاسخ دهد. نخست آنکه رابطه تنگاتنگی که بین قدرت / دانش وجود دارد، چگونه موجبات گردش آن را در جامعه فراهم می‌آورد؟ پرسش دیگر آنکه آیا حرکت چرخشی قدرت سلسله‌مراتبی است و همواره در دست زبردست می‌باشد؟ در نهایت، مقاومت در این بین چه نقشی ایفا می‌کند و آیا سکوت حاکی از مقاومت است؟ در ادامه پژوهشگران به معرفی پیشینه تحقیق می‌پردازند. از آنجائی که خوانش شعر "زمانی در رم" تا کنون از این دیدگاه مورد بررسی قرار نگرفته است و این نخستین

1. Fanon's Compartmental World
2. Hegemonic
3. Productive
4. Non-possessive
5. New -Historiographical

باری است که مطالعه‌ای در این زمینه صورت می‌گیرد، لذا در بخش پیشینه تحقیق، محققین به ذکر مطالعات محدودی که تاکنون صورت گرفته اکتفا می‌نمایند. پژوهشگران در بخش چارچوب نظری، با ارائه مفاهیم کلیدی مربوطه، دیدگاهی نوین را به بررسی اثر می‌کشایند. تحقیق ذیل تلاشی است برای پرداختن به یکی از اساسی‌ترین روابط اجتماعی که ارتباط تنگاتنگ قدرت و دانش می‌باشد. در نهایت، در قسمت نتیجه‌گیری محققین به بررسی یافته‌های پژوهش همت می‌گمارند.

پیشینه تحقیق

نظراتی همچون رابطه قدرت و دانش از دیرباز مورد پژوهش و در صدر بررسی‌های اجتماعی - سیاسی بوده‌اند لیکن نام‌بردن از تمامی پژوهشگرانی که در این راستا قلم‌فرسایی کرده‌اند میسر نبوده و به چند اثر بسنده می‌شود. در مقاله "تسهیل فرآیند ادغام در فرهنگ میزبان در فرهنگ مهاجر به علت شکل‌گیری هویت التقاطی در رمان خروجی غرب اثر محسن حمید" (۲۰۲۴) به چگونگی و اساسی نقش‌های از پیش تعریف شده زبردست - زیر دست که در روابط اجتماعی حاضر در کشورهای در حال توسعه هنوز هم دیده می‌شود، پرداخته است. کوین یانگ^۱ در مقدمه کتاب خود با عنوان هر صدایی را بلند کنید: دلیل اهمیت شعر آفریقایی - آمریکایی چیست؟^۲ (۲۰۲۰)، ضمن تأکید بر پویایی "شعر سیاه" ژانر فوق را مملو از "مفهوم و منظور" دانسته و آن را شایسته‌ی تجزیه و تحلیل منتقدانه می‌داند. در اندیشه فمینیستی سیاه: آگاهی، دانش و سیاست توانمندسازی^۳ (۲۰۰۰)، اثر پاتریشیا هیل کالینز شاهد شیوه‌ای فراگیر در بررسی شعر سیاه با در نظر گرفتن "زبان ویژه آفریقایی - انگلیسی" هستیم. مقاله "مفهوم فوکو از قدرت/گفتمان دانش: تحلیل انتقادی"^۴ (۲۰۱۸)، اثر شارما سند یپ کومار^۵، ضمن ارائه تحلیلی منتقدانه از نظریه فوکو رابطه آن را با تقابل‌های موجود در جامعه به بحث

1. Kevin Young

2. Lift Every Voice: Why African American Poetry Matters? (2020)

3. Black Feminist Thought: Knowledge Consciousness and the Politics of Empowerment (2000)

4. Patricia Hill Collins

5. Vernacular Speech

6. Sandeep Sharma Kumar

7. "Michel Foucault's Concept of Power/ Knowledge Discourse: A Critical Analysis" (2018)

می‌گذارد. در مقاله‌ای دیگر از نصرالله مامبرول (۲۰۱۶) فراگیر بودن رابطه ناگسستگی قدرت و دانش در انواع جوامع و "سلسله‌مراتبی نبودن روابط" و تأثیرات آن به بحث گذاشته شده است.

در مقاله "نقد جاری بر شعر آفریقایی" (۲۰۱۵)، لاری شیرر^۲ ضمن تأکید بر اهمیت مطالعه "شعر سیاه"، معتقد است این ژانر ادبی می‌تواند دلیل تاریخی تداوم اعتراض سیاهپوستان در جهت ابراز آزادانه عقایدشان به شمار آید. کریسناسیلوانیا و سو لیستیو لای لیک^۳ در مقاله مشترک خود با عنوان "قدرت سیاه در اشعار "هنوز بر می‌خیزم"، "زن فوق العاده" و "شکوه آخر هفته" از مایا انجلو"^۴ (۲۰۱۳)، با بررسی "قدرت سیاه"^۵، زندگی مشقت بار سیاهپوستان در تقابل با اصحاب قدرت را در آثار منظوم به تصویر می‌کشند. در "نه درون نه بیرون: ماری ایونز، زیبایی‌شناسی و قانون آن"^۶ (۲۰۱۱)، کریستین ال متیوز^۷ به بررسی نقاط قوت شعر ایونز می‌پردازد و دلایلی مبنی بر قرار گرفتن آثار ایونز در زمره "کارهای ماندگار"^۸ ارائه می‌دهد. رابرت داگلاس در کتاب خود با عنوان مقاومت، شورش و هویت: هنر ماری ایونز، نلسون استیونز و جنبش هنرهای سیاه (۲۰۰۸)، با بررسی اشعار ماری ایونز، گستره تأثیر آن را بر تثبیت "ارزش‌های سیاه"^۹ به نمایش می‌گذارد. شهرام ولیدی و کیان سهیل در مقاله‌ای مشترک با عنوان "وابستگی متقابل قدرت و استعاره: رویکردی فوکویی-دریادایی"^{۱۰} (۲۰۱۱)، قدرت و دانش فوکو را هم‌وارد معرفی می‌کنند چرا که از نظر آنها دانش سبب به وجود آمدن قدرت و به نوبه خود قدرت، دانش را می‌آفریند.

چهارچوب نظری پژوهش: بررسی مفاهیم کلیدی میشل فوکو

فوکو در نظریه قدرت/ دانش خود بر چند نکته اساسی تأکید دارد. نخست آنکه قدرت

1. "Current Criticism on African Poetry" (2015)

2. Lauri Scheyer

3. Krisnasilvania and Soelistyo Liliek

4. "Black Power in Maya Angelou's "Still I Rise", "Phenomenal Woman", and "Weekend Glory"" (2013)

5. Black Power

6. "Neither Inside Nor outside: Mari Evan's the Black Aesthetics and the Canon" (2011)

7. Kristin L. Matthews

8. Black Values

9. Shahram Vali and Kian Soheil

و دانش، هر دو از ارکان لاینفک در زندگی افراد هستند و در شیوه هدایت رفتارهای اجتماعی و برقراری روابط نقش برجسته‌ای دارند. هنگامی‌که فوکو از قدرت سخن می‌گوید در واقع لزوم رکنی حیاتی را گوشزد می‌نماید که رابطه نزدیکی با دانش دارد. از سوی دیگر رابطه تنگاتنگ مابین قدرت و دانش دوسویه است چرا که دانش خود وجهی از قدرت است که پتانسیل باز تولید قدرت را دارد. فوکو با بکار بردن علامت جداشونده به‌جای خط تیره در نوشتار خود نشان می‌دهد که دانش و قدرت در نظریه او نه‌تنها دو عنصر متفاوت نیستند؛ بلکه می‌توانند در یک جایگزینی به‌جای یکدیگر ظاهر شوند. همچنین فوکو تأکید دارد که دانش هرگز نباید به‌عنوان عنصری خنثی تلقی شود چرا که در رابطه قدرت/ دانش عاملی تعیین‌کننده است. به عقیده‌ی او، هیچکدام از اعضای جامعه قدرت صرف را در تملک مطلق خود ندارند بلکه قصد بر به کارگیری آن است. قدرت هرگز در یک جا متمرکز نبوده و در تملک صرف کسی قرار نمی‌گیرد. در اثر قدرت/ دانش، فوکو اعلام می‌کند که "هیچ قدرتی بدون هدف و سرانجام وجود ندارد. این بدان معنا نیست که این امر ناشی از قدرت انتخاب و یا تصمیم‌گیری فرد است... عقلانیت قدرت با ترفندهایی محدود شده مبرهن است، آن‌هم در جایی که تاکتیکهای نقش بسته به هم ربط پیدا می‌کنند" (*Selected Interviews and Other Writings 95: Power/Knowledge*). بر خلاف نظر عام، قدرت وسیله‌ای برای اعمال سرکوب نیست بلکه ابزاری برای بروز حقایق در روابط می‌باشد. پیوند میان قدرت و دانش عاملی است که طی آن یکی در تلاش رصد دیگری می‌باشد و بدین ترتیب بیننده از رویت افراد و عملکردشان نسبت به قدرت آگاه می‌گردد. در یک گفتمان فراگیر، به باور عام، قدرت همواره در طرف قوی مدار قرار دارد و در تلاش به استضعاف کشیدن است. این اصل در نظریه فوکو کاملاً ردمی‌شود، چرا که به عقیده‌ی او قدرت به‌صورت سیال در جامعه در حال گردش است. لازم به ذکر است که در تئوری فوکو، قدرت هرگز به‌صورت عبث به کار گرفته نمی‌شود و مقاومت نیز بخش لاینفک قدرت/ دانش است. طبق نظر فوکو "هرجا قدرت باشد مقاومت نیز ناگزیر وجود دارد" (فوکو ۱۹۷۶: ۱۸)

نظریات هیدن وایت نیز که بر ملاحظه وقایع باتوجه‌به روابط علت - معلولی تأکید دارد، افقی جدید برای تجزیه و تحلیل اثر منتخب می‌گستراند. طبق نظر او، عوامل مؤثر در رخداد وقایع، با ایجاد تضاد، موجب حرکت دیالکتیکی می‌شوند. در شعر ایونز تفاوت موجود مابین سطح دانش زبردست و زیر دست به پیدایش این تضاد دامن می‌زند. آنچه

از دیدگاه او اهمیت دارد نه خود کشاکش میان طرفین مجادله است؛ بلکه علل زمینه‌ای به‌وجود آمدن کشمکش در اثر است که اهمیت دارد. باید بررسی شود که چرا به طور پیش‌فرض، در تاریخ بشری، زبردست صاحب دانش فرض می‌شود و از این لحاظ برای زیر دست تصویری در ذهن متبادر نمی‌شود.

مقاله حاضر به بررسی چهار نکته کلیدی می‌پردازد که در آن پژوهشگران با به‌کارگیری نظریه قدرت/دانش، شعر "زمانی در رم" را مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهند. تحلیل شعر می‌نماید که چگونه قدرت، بدون دنبال کردن سیر خطی جهت اجتناب از نظام سلسله‌مراتبی شدن در گردش است. قدرت صرفاً نیروی فیزیکی نداشته؛ بلکه با بهره‌مندی از خصوصیتی دینامیکی، در تعیین نقش افراد، در یک گفتمان اجتماعی نقش دارد. از جمله موارد دیگری که در این پژوهش مورد بحث قرار می‌گیرد این است که چگونه قدرت بدون در نظر گرفتن این که افراد چه کاری را باید انجام دهند تعیین‌کننده آن است که افراد چه باید باشند. محققین اعلام می‌دارند که گفتمان اجتماعی حاکم بر جامعه ضمن اینکه دسته‌بندی‌های هویتی را تحت تأثیر قرار می‌دهد، نوعی تفاهم مابین اعضای جامعه در تحکیم روابطشان برقرار می‌سازد. در خاتمه نیز پژوهشگران خاطر نشان می‌کنند که چگونه قدرت و دانش در یک تجانس متشکل یکدیگر را همراهی کرده و در رابطه‌ی تنگاتنگ یکدیگر را تبیین می‌نمایند. در حقیقت بدون دانش روابط قدرتی تحقق پیدا نمی‌کنند و قدرت بدون وجود مقاومت نه باز تولید می‌شود و نه می‌تواند ادامه پیدا کند. در نهایت، روشن می‌شود که در قالب یک چهارچوب تعریف شده، علت اصلی بروز کشاکش، تصاحب دانش است.

بحث و بررسی شعر "زمانی در رم" اثر ماری ایونز شاعره آفریقایی - آمریکایی
"زمانی در رم"، در مجموعه اشعار ایونز با عنوان من زنی سیاه هستم (۱۹۷۰) چاپ شده است و مانند دیگر آثار او بیانگر تعهد به ارزش‌های "هنر سیاه"^۱ می‌باشد. ایونز در بسیاری از آثار خود، ضمن احیا انقلاب اجتماعی ایجاد شده در آگاهی سیاه‌پوستان، میراثی را برای نسلی از آفریقایی - آمریکایی‌ها به جا می‌گذارد و با عباراتی قوی، حقایق را آشکار می‌کند. گویی که شعر، با به چالش کشیدن مفاهیم سنتی قدرت به‌عنوان نیروی سرکوبگر و منفی، جنبه پویاتری از آن را، در قالب زبانی یک گفتمان اجتماعی - فرهنگی

1. Black Art

ارائه می‌کند. در اثر ادبی، قدرت و دانش در یک رابطه‌ی درهم‌تنیده و جدایی‌ناپذیر در سراسر ابیات شعر منتشر می‌شوند. اولین نشانه‌ای که بیانگر رابطه تنگاتنگ قدرت و دانش است، در عنوان شعر قابل‌مشاهده می‌باشد. عنوان شعر قسمتی از ضرب‌المثلی است که برخورد و رفتار، مانند رومی‌ها را هنگام سفر به رم توصیه می‌نماید و معادل فارسی ثبت شده آن "خواهی نشوی رسوا هم‌رنگ جماعت شو" می‌باشد. نقل شده است که در قرون وسطی، قدیسی مسیحی پیروان خود را نصیحت می‌کرد که هنگام اقامت در رم از سنت‌های مردمان آن شهر تبعیت کنند و در روزهایی که آنها به روزه‌داری می‌پردازند آنان هم روزه بگیرند تا موجبات سو ظن و دشمنی با آنها فراهم نشود. با این کار زوار شهر رم در حاشیه امنی که "دانش" انطباق برای آنها ایجاد کرده بود به سر برده و با آگاهی از هنجارهای آن اجتماع، در یک گفتمان اجتماعی - زیستی به قدرتی که در پی دانش و آگاهی می‌آید دست پیدا می‌کنند.

شعر "زمانی در رم" در واقع مکالمه‌ای است یک‌طرفه، چرا که خواننده یا "دانای کل"^۱ متوجه می‌شود که گفتگو از سوی خانم خانه آشکارا ادا شده و پاسخ‌های خدمتکار فقط ذهنی است که داخل متن درون پرانتز مشخص شده‌اند. این موضوع که از ابتدا یکی از طرفین، اجازه و جرأت اظهار نظر دارد و دیگری فقط زیر لب می‌تواند نظر خود را ابراز کند، نشان دهنده اختلاف طبقاتی حاکم در شعر می‌باشد. تعارف خانم خانه که سخاوتمندانه و با لحنی غرورآمیز ادا می‌شود در واقع در برگیرنده دستوراتی است که همگی با فعل امری بیان می‌شوند. خانم خانه از موقعیت اجتماعی خود نسبت به خدمتکار آگاه است و این موضوع به او اعتماد به نفس خاصی داده است. در بخش دیگر، پاسخ‌های "متی"^۲ محصور در پرانتزها با غلط‌های دستوری قرار دارد که بیانگر "زبان محاوره‌ای سیاه‌پوستان"^۳ بوده، به صورت ناخودآگاه بازتاب‌دهنده‌ی دانش کم خدمتکار یا به صورت خودآگاه نوعی مبارزه‌ی فرهنگی با زبان غالب سفید محور را نشان می‌دهد و این امر بر موقعیت هم زمان نازل تر اما حق جوی خدمتکار دلالت دارد. نسبت به صاحب‌کار خود قرارداد. خانم از همان ابتدا با استفاده از عبارت "متی جون"^۴ موقعیت خود را تثبیت می‌کند چرا که بکار بردن واژه "جون" از یکی از طرفین حاکی از رابطه زیر - زیر دست

1. Knowledge
2. Omniscient
3. Mattie
4. Vernacular speech
5. Mattie dear

مایین آن دو می‌باشد. "ie" در انتهای نام خدمتکار است که در لاتین پسوند مصغرساز بوده و بر رابطه بالا - پایین‌دستی دو طرف صحنه می‌گذارد. عدم توازن در برخورداری از موقعیت اجتماعی به خودی‌خود جهت شروع دیالکتیک انتقال قدرت کافی است و توجه به آن در واقع قراردادن اثر در چهارچوب تاریخ‌نگاری است. فرای شرایط سلسله‌مراتبی که برای افراد در یک جامعه به وجود می‌آید، آنچه که قدرت را پایه‌گذاری می‌کند، شناخت افراد به " موجودیت فردی" و هویت خود است. اگر چه خانم خانه، زبردست و علی‌الظاهر صاحب قدرت و دانش معرفی می‌شود و خدمتکار زیر دست می‌باشد اما برخلاف انتظار در بزنگاه‌هایی خدمتکار گوی قدرت را ربوده و اوست که صاحب دانش انگاشته می‌شود. از آغاز بند اول خانم خانه جعبه‌ای مملو از خوراکی‌های مختلف را به خدمتکار تعارف می‌کند که کنایه‌ای از تمول بوده و بر خوانندگان دانای کل کاملاً معلوم است که تعارف او نه از سرگشاده دستی که از سر فخرفروشی است. سیرکردن خدمتکاران از وظایف مخدوم است، چرا که به صورت پیش‌فرض قرار است که او به‌عنوان کارفرما از نیازهای جسمانی خادمین آگاهی داشته باشد. صاحبخانه با تعارف‌های بی‌معنا اما مکرر در واقع قصد به‌رخ‌کشیدن دانش خود را دارد. خدمتکار نگاهی به اقلام درون جعبه تعارفی می‌اندازد و در میان خوراکی‌ها فقط تخم‌مرغ پخته و قوطی سوپ را تشخیص می‌دهد و با کلماتی که درون پرانتز بیان می‌شود و بیانگر ذهنیات اوست، غرولندکنان می‌گوید "از گوشت خبری نیست" و خواننده به‌خوبی می‌داند که این ماده غذایی، انرژی لازم برای کار فیزیکی را تأمین می‌کند. بر خلاف انتظار در انتهای بند اول، قدرت به دست خدمتکار می‌افتد چرا که او به خوبی به نیازهای تغذیه‌ای کارگران واقف است. جهل و نادانی خانم و آگاهی خدمتکار، قدرت را از سویی به‌سوی دیگر سوق می‌دهد. در بند دوم خانم سرمست از جاه و غرور به تعارف‌کردن ادامه می‌دهد. "آندیو و پنیر نرم هم هست" آندیو^۱ از فرنیجات گران و غیرمتداول است و پنیر نرم هم در دسترس همگان نیست. عدم آگاهی خانم در مورد تغذیه مناسب کارگران به‌هیچ‌وجه مانع از آن نمی‌شود که او به پیش‌کش‌های بی‌معنی خود ادامه ندهد. پاسخ ذهنی متی به تعارفات بی‌معنی صاحبخانه حاکی از آگاهی او و سوق پیدا کردن قدرت به سمت خودش است. "ای بابا من دلم لوبیاچشم‌بلبلی می‌خواد". هوس خدمتکار نشان می‌دهد که او به نیازهای بدنی و تغذیه‌ای خود کاملاً واقف است و می‌داند که رژیم غذایی او باید شامل پروتئین باشد

1. Individual existence

2. endive

نه سبزیجات و یا پنیر خالی. تعارف بی‌معنا سویی از قدرت، و آگاهی از نیازهای غذایی، سوی دیگر این کشمکش قدرت است.

صاحبخانه در سومین بند شعر به پیشکش‌های خود می‌افزاید "ساردین و از این جور چیزها در قفسه‌ها هست/ اما به آن چوبی‌ها دست‌زنی‌ها/ گراند (آره حتماً محاله به آن چوبی‌ها دست بزنم/ با خودش چه فکری کرده/ انگار می‌خواد به جوجه غذا بده). نمایش فخرفروشی ادامه‌دار است تا این‌که خدمتکار از دست‌زدن به گران‌ترین ماده غذایی بر حذر می‌شود. با این منع صاحب‌کار نشان می‌دهد که قدرت اجازه یا ممانعت در دست اوست. گویی او نمی‌داند که آنچویی که نوعی ماهی کوچک است، به علت بوی تند که دارد، فقط به‌عنوان یک طعم‌دهنده برای مزه‌دار کردن غذا استفاده می‌شود و هرگز نمی‌تواند به‌عنوان غذایی کامل و جهت سیرکردن شکم به حساب آید. بار دیگر جهالت و عدم آگاهی، قدرت را به چرخش درآورده از سلطه زبردست خارج نموده و در دامان زیر دست می‌اندازد. واژه تأکید "واقعاً که"^۱ در ادامه حاکی از کلافگی و جان‌به‌لب شدن خدمتکار از این‌همه فخرفروشی و ادعای آگاهی بی‌مایه است. تظاهرهای خالی از معنای خانم تمامی ندارند و در آخرین بند شعر بیشترهم می‌شود. "خیلی چیزها هست که تو را سیر کند (آه خانم فقط ریخت اینا کافیه برام/ ای‌کاش زنده بمونم تا اینکه روزی به خونم برسیم / از خوردن چیزهایی که توی رم می‌خورند خسته شدم". از ابتدا تا انتهای این کشاکش قدرت "مقاومت"^۲ بخشی از روال گردش قدرت است. "یک رابطه انطباقی زمانی به نهایت خود می‌رسد که مکانیسم‌های ثابت، جایگزین عملکرد آزاد واکنش‌های خصمانه شوند. از طریق این مکانیسم‌ها فرد می‌تواند با قاطعیت رفتارهای دیگران را کنترل کند (فوکو ۱۹۸۰: ۲۲۵)؛ لذا هر فردی می‌تواند به‌صورت بالقوه دارای پتانسیل مقاومت باشد و در هر لحظه با ایفای نقشی که از او انتظار می‌رود چرخه قدرت را معیوب کرده و ساختار آن را متحمل هزینه نماید. در اثر، با آرزوی آخر خدمتکار برای بازگشت به خانه یا موطن، به این کشاکش پایان داده می‌شود. طبق نظر سارا میلز^۳ افراد بازیچه دست قدرت نیستند؛ بلکه در مرکز جایی قرار دارند که قدرت و مقاومت در آنجا اعمال می‌شود" (Michel Foucault 2003: 3) خدمتکار از نادانی صاحب‌کارش به ستوه آمده است و مقاومتی که از جانب او به وجود می‌آید، بخش گسست‌ناپذیر رابطه قدرت/ دانش است.

1. indeed

2. Resistance

3. Sara Mills

در این بخش دو نکته شایان ذکر است. نخست این که نقش فشار را در شروع تقابل دیالکتیکی در گفت‌وگو اجتماعی نمی‌توان انکار کرد. نکته دوم در مورد امر سکوت است. در مورد اول به گفته کالینز "حس اعمال قدرت که به منزله سو استفاده از آن است موردی بس غامض و بغرنج است؛ زیرا نه اعمال قدرت و نه عدالت اجتماعی بدون حس ایجاد تغییر به دست نمی‌آید" (*Black Feminist Thought: Knowledge Consciousness and the Politics of Empowerment 3*)؛ لذا زن صاحب‌کار سفیدپوست هرگز در تحمیل فشار بر خدمتکار سیاه‌پوست فایز نمی‌آید چرا که زن سیاه‌پوست خدمتکار استادانه از تحمیل قدرت بر خودش شانه خالی کرده و نه مخفیانه بلکه آشکارا مقاومت می‌کنند. در تأیید این امر می‌توان به یافته‌های جودی رولینز از تحقیقات میدانی در مقاله "بین زنان، خانوارها و کارفرمایانشان" (۱۹۸۵)، رجوع کرد. او در مصاحبه با کارگران زن سیاه‌پوست دریافت که " آنها از حس احترام به خویشتن و عزت‌نفس خاصی برخوردارند، حتی زمانی که به ایشان کارهای سطح پایین محول می‌شود. زنان سیاه‌پوست به‌خوبی از عهده این کارها بر می‌آیند و بامهارت فوق‌العاده خود قادرند تا حملات روانی به شخصیت، بلوغ فکری و وقار خود را دفع کنند. این تلاش‌ها به‌هیچ‌وجه آنها را در ورطه کارفرما و تعریف او از حقارت نمی‌اندازد" (۲۱۲). در کشاکش مسیر زندگی، زن سیاه آموخته است که در خود آگاهی جایی برای افکار درونی و آرزوهایش باز کند تا تلافی بین انواع فشارها را خنثی نماید. برای روشن‌تر شدن مسئله سکوت، ماریتا بونر (۱۸۹۹-۱۹۷۱)، نویسنده و مقاله‌نویس برجسته آمریکایی، سکوت زن سیاه را به سکوت مجسمه‌هایی بودا تشبیه کرده است. این مجسمه‌ها، بودا را درحالی که مهر سکوت بر لب دارد و در ژرفای اندیشه فرورفته است نشان می‌دهند. سکوت نمای بیرونی مقاومتی است که در برابر یک قدرت تحکیم آمیز بیرونی شکل‌گرفته است. برای زن کارگر سکوت به منزله سلاحی است که به‌وسیله‌ی آن به نافرمانی و شکستن چهارچوب تحمیل شده از آن استفاده می‌کند و اصلاً مهم نیست که او چه مسئولیتی را به عهده دارد: مامی، مادر سالار، مادری مدد‌رسان، قاطری سخت‌کوش، یا زنی منحرف (*Collins, Black Femi- nist Thought: Knowledge Consciousness and the Politics of Empowerment 99*). توان زن سیاه‌پوست معطوف به باز تولید آگاهی از درون می‌شود و این دقیقاً ناشی از تقلای اوست تا بازتاب‌هایی کنترل‌گر را به آگاهی که گویی بخشی از وجود اوست، بدل کند. او با این کار ضمن شکستن مرز مابین قدرت و آگاهی، نشان می‌دهد که در رابطه دوسویه،

یکی دیگری را موجب و سبب می‌شود.

نتیجه‌گیری

میشل فوکو (۱۹۲۶-۱۹۸۴)، از نظریه پردازان برجسته‌ای است که با بینش درخشان خود قدرت و رابطه‌ی آن را با دانش و گستردگی آن دو را در جامعه به بحث می‌گذارد. او معتقد است بین قدرت و دانش رابطه‌ای درهم تنیده حاکم است که در سطوح مختلف جامعه قابل رویت می‌باشد. طبق نظریه فوکو "قدرت را باید به مثابه جریانی سیال و در حال باززایی و نو شدن در نظر گرفت که همواره ساری و جاری است. قدرت می‌تواند تنها در کسوت یک سازمان شبکه مانند به منصفه‌ی ظهور رسیده و بروز کند. هر فردی به مثابه‌ی حلقه‌ای است که بخشی از سازو کارهای قدرت را عهده دار است و در تحقق آن نقش ایفا می‌کند. افراد ابزار قدرت هستند نه نقاط کاربرد آن" (*Power/Knowledge: Se-* 98 *lected Interviews and Other Writings*). بنابراین، واضح است که روابط ناشی از قدرت و از نظر تاریخی حاکم بر طبقات اجتماعی مابین چیره-فرو دست قابل جابجایی و تغییر است. بر خلاف باور عام، قدرت و تسلط بر آن امری ثابت نبوده و با دستیابی به دانش میتوان آن را در جامعه به گردش در آورد. به عبارت دیگر قدرت در یک رابطه‌ی تنگاتنگ با دانش طی چرخشی دیالکتیکی از آن طرف می‌شود که دانسته‌های بیشتر و دقیق‌تری دارد.

ایونز که به اندیشه و ارزش‌های زیباشناختی ادبیات سیاه متعهد است، در شعر "زمانی در رم" استادانه گردش قدرت و رابطه آن را با دانش به تصویر می‌کشد. اثر او نه تنها نظریه فوکو بلکه فرعیات آن را در قالب محاوره‌ای روزمره ارائه می‌کند. در این شعر، اصول سه‌گانه قدرت فوکو نمایش داده می‌شوند که عبارت‌اند از: ۱. قدرت بر خلاف انتظار تاریخی همواره از آن زبردست نیست؛ بلکه به صورت سیال در گردش می‌باشد. ۲. قدرت از آن کسانی است که دانش دارند و این مسئله منوط به طبقه اجتماعی اشخاص و موقعیت اقتصادی آنها نمی‌باشد. ۳. مقاومت، بخش لاینفک این معادله است و سکوت نماد فیزیکی آن می‌باشد. چنانچه در شعر منتخب مشاهده می‌شود، تقابل بین قدرت و دانش گسستنی نیست و کشاکش که حاکی از عملکرد چرخشی آن است، به شرایط بستگی دارد. مقاومت، رابطه پنهان قدرت و دانش را بر ملا می‌کند تا معادله تلاش برای به دست آوردن دست بالا بر هم بخورد.

مطالعه حاضر با توجه به نظریات فوکو و وایت تحلیلی از شعر "زمانی در رم" ارائه می‌دهد. جدال در روابط قدرت هرگز ترک نمی‌شود و کشمکش‌های به وجود آمده بیانگر این است که چگونه قدرت در نتیجه‌ی به‌کارگیری دانش در شرایط مختلف به چرخش درمی‌آید. پژوهشگران برای نخستین بار با اتکا بر نظریات نو تاریخ‌نگاری به تجزیه و تحلیل شعر "زمانی در رم" پرداخته و اظهار می‌دارند که گردش قدرت، رابطه آن با دانش و سکوت که نشانه‌ای از مقاومت می‌باشد، در بندهای مختلف شعر قابل مشاهده است. محققین بر این باورند که نظریه قدرت/دانش و شعر "زمانی در رم" متمم یکدیگرند. در این تحقیق، از نظریات فوکو و وایت جهت بررسی شعر استفاده شده و اذعان می‌شود که شرایط زندگی، سطح فرهنگی، محیط پیرامون و جایگاه اجتماعی افراد در شکل‌گیری قدرت/دانش در بستر تاریخی نقش به‌سزایی دارد. اکنون می‌توان رویکردی جدید جهت تحلیل شعر "زمانی در رم" معرفی نمود که ارتباطات و دیدگاه‌های حاصل از قدرت/دانش را در بستری از علل و معلول‌های مرتبط نشان می‌دهد. نظریه‌های منتقدانه و شعر ایونز، در این مقاله، با بیان واقعیتی از جانب یک جامعه‌شناس آشنا به گفتمان رایج اجتماعی، یک تاریخ‌نگار خبره و تبیین نظرات پیشنهادی آن دو در یک اثر منظوم، طرحی نوین در انداخته تا شعر مکمل نظریه قرار گیرد و آن را مثال شود؛ لذا در بستری نو، دیدگاهی جدید به قدرت و رابطه آن با دانش و بررسی علل و معلول‌های ناشی از چرخش دیالکتیکی قدرت هویدا شده و روایت موضوع از منظری متفاوت، امکان‌نگرشی متفاوت به مفاهیم آشنا را فراهم ساخته است.

Convergence of Historiography and New Historicism, Reciprocity of History and Literature: Dialectical Circulation of Foucauldian Power/ Knowledge Surveyed in Mari Evans' "When in Rome"

Shahzad Mohamad Hosein¹, Hoda Shabrang²

Abstract

Introduction: *Although poetry has promising merits galore, few would suggest it as a means for exemplifying critical theories. Due to the interdisciplinary nature of human sciences, there exists a reciprocal connection between findings in literature which will aid critiques to illustrate the integrity of their theories. Black poetry stands out as a favorable example of how the dialectics of power domination circulate within a society, not perpetually residing with supremacy. The following paper elaborates on Foucault's well-known power/knowledge critical theory by focusing on co-textual influences and presents a discussion exemplified in Mari Evans' anthologized poem, "When in Rome".*

Background of the Study: *Regardless of Mari Evans' authenticity, inadequate attention has been paid to her work in the form of critical analysis. Considering all its merits, her poetry deserves to be noticed all the more since as a committed poet, Evans is true to the principles of Black Art which demands of its followers to support issues concerning the Black minority. In this regard, Evans' poetry outstands the works of her peers. Controversial instances, which have often been challenged in the crucible of critical thought, may need to be exemplified for the sake of elucidation. Hayden White's insistence that events be narrated according to the survey of causes and effects*

1. PhD. Student of English Literature, Department of English Language and Literature, North Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

2. Assistant Professor of English Literature. Faculty of Human Sciences, Khatam University, Tehran, Iran.

and Foucault's theory of power/knowledge circulation serve as the critical backbone of the present study. This paper aims to illustrate how Mari Evans' selected poem, as a complement to Foucault's theory and White's approach to the study of history, tends to display that the circulation of power within a given society is not transferred hierarchically but rather promulgates dialectically, as defined by historiography, from one agent to another based on an imbalance in knowledge possession. Historically, it has always been assumed that the white supremacy has domination over the black minority, given that it has full grasp of knowledge, and this is exactly the presumption that is challenged in Foucault's theory. "When in Rome" provides adequate ground in support of the theory and exhibits how common thought about domination of power and the elements which contribute to the existing functional contradictions within social relationships can be challenged. Furthermore, the poem provides sound context to question the historically presumption of alleged superiority for the White.

Methodology: *Foucault emphasizes on several points when he presented his power/knowledge theory. First, he stipulates that power and knowledge are integral parts of man's existence and accentuates their interrelationship. Second, he defines certain characteristics for power, namely that it is not transmitted in a structure of levelized arrangement but circulates uninhibitedly among agents and last, that power cannot exist without resistance. White emphasizes the requirement of seeking causes and effects behind the occurrence of events, particularly to explain existing conflicts. The poem and the theories complement each other by presenting a clear and comprehensible illustration of critical-literary notions.*

Conclusion: *The application of Foucault's theory to Evans' poem, "When in Rome", and investigating the causes and effects which initiate the circulation, demonstrate the qualities attributed to power, knowledge and their interrelated connection. As*

observed in the poem, a member of the working class is caught in the dialectical circulation of power by her employer who represents supremacy. Through knowledge and by exerting resistance, the dominated individual orients power in her direction and avoids imposition. The poem is a revealing piece of literary work exemplifying the highlights of historical-literary reciprocity to perfection.

Keywords: *Hayden White, Knowledge/ Power, Mari Evans, Michel Foucault, Resistance.*

References

- Bonner, Marita O. and Joyce Flynn. Joyce OccomyStricklin (ed.). "On Being Young_ A Woman_ and Colored" *Frye Street and Environs: The Collected Works of Bonner*. Boston: Beacon, 1987.
- Collins, Patricia Hill. *Black Feminist Thought: Knowledge, Consciousness and the Politics of Empowerment*, 2nded. New York: Routledge, 2000.
- Dorsey, David. Mari Evans (ed.). "The Art of Mari Evans" in *Black Women Writers (1950-1980): A Critical Evaluation*. Anchor Press, 1984, pp. 170-189.
- Douglas, Robert L. *Resistance, Insurgence and Identity: The Art of Mari Evans, Nelson Stevens and the Black Arts Movement*. Eriteria:African World Press, 2008.
- Evans, Mari (ed.). *Black Women Writers (1950-1980): A Critical Evaluation*. New York: Anchor Press, 1984.
- Foucault, Michel. *The History of Sexuality, Vol. II: The Use of Pleasure*, trans. Robert Hurley, Harmondsworth: Penguin, 1978.
- *Power/Knowledge: Selected Interviews and Other Writings 1972-1977*. Colin Gordon (ed.). New York: Pantheon, 1980.
- *The History of Sexuality, Vol. III: The Care of the Self*, trans. Robert Hurley, London: Penguin, 1981.
- Henderson, Stephen. *Understanding the New Black Poetry*. New York: William Morrow & Company Inc. 1973.
- "Two Views – Male and Female – of Mari Evans' *I Am a Black Woman*". *Black World*, July, 1971, p.51.
- Krisna, Sylvania and Soelistyo, Liliek. "Black Power in Maya Angelou's "Still I Rise", "Phenomenal Woman" and "Weekend Glory"". *Semantic Scholar*, 2013. DOI: 109744/KATAKITA. 1.1 % P
- Mambrol, Nasrullah. 'Foucault's Concept of Power". *Literary Theory and Criticism*. <https://literariness.org/2016/04/05/foucaults-concept-of-power>.

- Matthews, Kristin L. (2011) "Neither Inside Nor Outside: Mari Evans, the Black Aesthetics and the Canon". *CEA Critic*, Vol.73, No.2, pp.34-54. <https://www.jstor.org/stable/44378442>
- Mills, Sara. *Michel Foucault*. London: Routledge, 2003.
- Rollins, Judith. "Between Women, Domestic and Their Employers". Philadelphia: Temple University Press, 1985.
- Scheyer, Lauri. "Current Criticism on African American Poetry". Routledge Publications, spring 2015.
- Shabrang, Hoda and Bahareh Tajik. "Facilitating the Process of Integration to Host Culture for Female Immigrants through Hybridized Identities in Mohsin Hamid's *Exit West*". *Critical Language and Literary Studies*, Vol. 20, No. 31, 2024, pp.13-32. <https://doi.org/10.48308/clls.2023.103777>
- Sharma, Sandeep Kumar. "Michel Foucault's Concept of Power/Knowledge Discourse: A Critical Analysis". *Epitome: International Journal of Multi-disciplinary Research*. Vol.4, Issue 1, January 2018.
- Vali, Shahram and Kian Soheil. "The Interdependence of Power and Metaphor: A Foucauldian-Derridian Approach". *Critical Language and Literary Studies*. Vol. 3, No.5 Winter 2011. pp.109-127
- Young, Kevin (ed.) *Lift Every Voice: Why African American Poetry Matters*. New York: Literary Classics of the United States, 2020.